



طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در نظام آموزش عالی

آموزش عالی ایران همواره و به خصوص در دهه اخیر با چالش‌ها و مسائل متعددی در حوزه حکمرانی، تعامل میان نهادهای متعدد این حوزه و برآورده ساختن انتظارات کلیه ذی‌نفعان (دانشجو، اساتید، دولت، جامعه،...) مواجه بوده است. ۴۷ پژوهش حاضر باهدف دستیابی به الگوی مطلوب در حوزه حکمرانی آموزش عالی به منظور درک بهتر این پدیده و ارائه پیشنهادهای سیاستی در این خصوص صورت پذیرفت. جهت طراحی الگوی حکمرانی آموزش عالی، روش تحقیق این پژوهش به صورت کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین انجام گرفت و همچنین برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد، بعلاوه نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری نظری و با بهره‌مندی از تکنیک‌های گلوله برفی و هدفمند انجام شد. ۴۷ نتایج تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها طی فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی و همچنین با توجه به شرایط علی، زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای حکمرانی مطلوب تبیین و الگوی نهایی ارائه گردید. همچنین برای اعتباریابی مدل از مدل ۱۰ معیار مقبولیت و معیار کثرت‌گرایی استفاده شد. ۴۷ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ترسیم الگوی مطلوب آموزش عالی بر راهبردهایی نظیر تمرکززدایی، مهندسی مجدد ساختارها و فرایندها، مشارکت ذی‌نفعان و تفویض اختیار به دانشگاه‌ها، وابسته خواهد بود و انتظار است پیامدهایی نظیر پرورش انسان شایسته در سیستم آموزش عالی، همسویی و یکپارچگی میان نهادهای متعدد تصمیم‌گیر، تحقق رسالت‌های اصیل آموزش عالی و جاری شدن ابعاد حکمرانی خوب در آموزش عالی و (به واسطه نقش تربیتی و هدایتگری آموزش عالی) در سطح جامعه تحقق یابد.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.